عکس: ایرنا

مشقت کارگران خانگی در روزهای نزدیک به سال نو

کار با مشقت

گزارش

ترانه بنی یعقوب
خبرنگار

یک سطل بزرگ برمی‌دارد و پر از آب می‌کند. در آن پودر لباسشویی یا به قول خودش تاید می‌ریزد و یک گوشه آماده می‌گذارد. با صبر و حوصله لباس‌های کارش را می‌پوشد. عادت دارد دستمالی دور سرش ببندد تا خاک کمتری روی موهایش بنشیند. یک دستکش پلاستیکی، چند حوله و دستمال تمیز هم همیشه همراهش است، شاید صاحبخانه اینها را نداشته باشد و کارش عقب بیفتد. سمانه ۸ سال است کارگر خانگی است، به کارش عادت کرده و مثل همه هر روز سر ساعت مشخصی سر کارش حاضر می‌شود. او در یک شرکت خدمات نظافتی کار می‌کند و مشتری‌های مخصوص خودش را هم دارد. این روزها سرش از هر وقت دیگر سال شلوغ‌تر است، با خنده از ته دلی می‌گوید ما و آرایشگرها این روزها از همه سرمان شلوغ‌تر است؛ حتی از دکترها. از یک ماه قبل همه وقت‌ها را داده‌ایم و الان هم مشتری جدید قبول نمی‌کنیم. به قول سمانه دم عید است و همه می‌خواهند به خانه‌شان سروسامانی بدهند. به نظرش اصلاً خوب نیست آدم به استقبال بهار و نوروز برود بدون اینکه خانه‌اش را تمیز کرده باشد.

شاید شما هم این روزها از یک کارگر خانم یا آقا خواسته باشید در تمیز کردن خانه یا راه‌پله‌تان کمک‌تان کند، اما چندان از قصه زندگی‌اش چیزی ندانید.

> به دست‌های زمخت و پینه‌بسته سمانه و جثه ظریفش نگاهی می‌اندازم. او حالا پرده‌ها را آویزان کرده و چین‌هایش را مرتب می‌کند با خوشحالی دست‌هایش را به هم می‌کوبد: وای چقدر خونه قشنگ شد، چقدر نمای خوبی گرفت عقب و جلو می‌رود و چین‌های پرده را منظم می‌کند

سمانه ۳۵ ساله است و با مادر پیرش زندگی می‌کند. پدرش چند سال قبل فوت کرد و چیز زیادی هم برایشان باقی نگذاشت. هزینه‌های بیماری مادرش باعث شد همان یک ذره پس‌اندازشان از دست برود. فوق‌دیپلم گرافیک دارد اما به هر دری زد، کاری پیدا نکرد تا اینکه تصمیم گرفت نظافتچی شود و الان هم درست ۸ سال می‌شود که کارش همین است. سمانه خیلی لاغر است و معمولاً به هر خانه‌ای پا می‌گذارد صاحبخانه با دیدنش می‌ترسد که نتواند کارش را درست انجام دهد. او می‌گوید: «تا قدوقواره و جثه‌ام را می‌بینند می‌ترسند کم‌انرژی باشم، بعد که تندتند بدون اینکه اعتراضی کنم شیشه پاک می‌کنم، کف زمین را می‌سایم، جاروبرقی می‌زنم و گردگیری می‌کنم، نظرشان عوض می‌شود و از تروفرزی‌ام تعریف می‌کنند.»

سمانه از آنجا که سال‌هاست نظافت و کار خانگی می‌کند این روزها مشتری‌های زیادی دارد و ماهی ۱۵ میلیون تومان درآمدش است، یعنی به قول خودش اگر هر روز کار کند ماهی ۱۵ میلیون می‌گیرد. همان‌طور که تندتند از پله‌های نردبان بالا می‌رود و پرده‌ها را درمی‌آورد و در ماشین لباسشویی می‌اندازد، حرف هم می‌زند و می‌گوید: «اما مگر این پا و کمر تا کی توان دارد؟ گاهی آنقدر از صبح ساییده‌ام که انگار مچ‌هایم می‌خواهند از جا کنده شوند. البته الان خوب هستم.» کمرش را صاف می‌کند انگار می‌خواهد به خودش ثابت کند حالا حالاها می‌تواند کار کند و بعد می‌گوید: «مادرم می‌گوید الان جوانی و متوجه نیستی بعد ببین چه کمردرد و پادردی بگیری. می‌گویم مادر من مگر چاره دیگری هم دارم؟»

سمانه می‌گوید بعضی از خانه‌ها که برای کار می‌رود غصه‌اش می‌گیرد بس که کثیفند مثلاً معلوم است ماه‌هاست گاز تمیز نشده و صاحبخانه هم انتظار دارد مثل روز اول تحویلش بدهم. خب معلوم است که کار خیلی سختی است و دست و کمرآدم از جا کنده می‌شود. این‌جور جاها معمولاً خیلی به سمانه سخت می‌گذرد، اما یک‌سری خانه‌ها هم هست که مرتب نظافت می‌شوند و این خانه‌ها کار کمتری دارند و انرژی بیشتری به آدم می‌دهند. وی می‌گوید: «چند روز پیش خانه‌ای رفتم که همه مبل‌هایشان کثیف و پر از لک بود. بعد از اینکه حسابی با شامپو شستمشان تازه خانم صاحبخانه غرغر کرد که چرا خوب تمیز نکرده‌ام، گفتم اگر می‌خواهی مثل روز اول شود باید از این دستگاه‌های شست‌وشو خبر کنی که در خانه مبل‌هایت را بشویند. جواب داد پس تو چه کاره‌ای. اما کلی مشتری خوب هم دارم که هوایم را دارند و آدم‌های خیلی خوبی هستند.»

به دست‌های زمخت و پینه‌بسته سمانه و جثه ظریفش نگاهی می‌اندازم.

او حالا پرده‌ها را آویزان کرده و چین‌هایش را مرتب می‌کند و با خوشحالی دست‌هایش را به هم می‌کوبد و می‌گوید: «وای چقدر خانه قشنگ شد، چقدر نمای خوبی گرفت.» عقب و جلو می‌رود و چین‌های پرده را منظم می‌کند.

حامد ۲۲ سال است کار نظافت خانه انجام می‌دهد. اهل کشور افغانستان است، شهر کابل. در وطنش کشاورز بوده اما از وقتی به ایران آمده که زمان کمی هم نیست، نظافتچی شده است. وقتی درباره سختی‌های کارش سؤال می‌کنم با تعجب و با همان لهجه شیرین مردم افغانستان می‌گوید: «اولین‌بار است که کسی درباره سختی‌های کارم پرسان می‌شود. راستش همین که اسمت نظافتچی است چندان خوب نیست، مجبوری همان دم در بگویی نظافتچی هستم و برای نظافت آمده‌ام و این حس خوبی به آدم نمی‌دهد.»

حامد الان ۴۰ آپارتمان ثابت را نظافت می‌کند، یعنی راه‌پله و حیاط خانه‌ها را تمیز می‌کند و این روزها هم چون نزدیک سال نو است بیشتر کارهای داخل خانه‌ها را انجام می‌دهد. او می‌گوید: «درآمدم بد نیست و خدا را شکر ناراضی نیستم اما کار سخت است، گاهی پشت‌سر هم ۸ ساعت می‌سایم. این روزها برای ۸ ساعت کار مداوم یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان می‌گیرم. فقط خستگی زمانی توی جان آدم می‌ماند که خانه را تحویل می‌دهی اما صاحبخانه می‌گوید تمیز و مرتب نیست و کار آدم را دوست ندارد.»

حامد تعریف می‌کند اوایل کار چه سختی‌هایی که به خودش نداده است. ابتدای کار پله‌ها را با برس و فرچه تمیز می‌کرده و بعد با حوله خشک می‌کرده؛ خانم‌ها می‌گفتند این‌جوری تمیز کند و او هم تمیز می‌کرده غافل از اینکه چقدر دردسر داشته، تازه چقدر دستمزد می‌گرفته ۵۰۰ تومان تک‌تومانی. او می‌گوید: «مشتری‌هایم که زیاد شدند گفتم این‌جوری کار نمی‌کنم برای همین هم الان در یک سطل بزرگ آب و تاید می‌ریزم وایتکس هم استفاده نمی‌کنم چون می‌دانم استفاده روزانه از وایتکس چه بلایی سر ریه‌ها می‌آورد، به هر کس هم تازه وارد این کار می‌شود می‌گویم هر روز از مواد سفیدکننده استفاده نکن چون ریه و کلیه و کبد آدم را نابود می‌کند. جوان که بودم هر روز استفاده می‌کردم، پا برهنه صد بار پله‌ها را بالا و پایین می‌رفتم، ۱۰ سال این‌جوری کار کردم بعد دیدم توانم دارد ته می‌کشد. الان ۳۸ ساله‌ام و خدا را شکر مشکلی هم ندارم. اگر مراقب خودت نباشی توی این کار دیسک کمر و گردن‌درد و پادردت حتمی‌است.»

حامد سخت‌ترین قسمت کارش را زمانی می‌داند که کار تمام می‌شود و از صاحبخانه می‌خواهد دستمزدش را برایش واریز کند اما او می‌گوید که حالا بعداً برایت واریز می‌کنم. این لحظه خیلی حال آدم گرفته می‌شود.

ثمین، فاطمه خانم و اکبرآقا هم کارگر خانگی هستند. آنها هم حرف‌هایی مشابه حامد و سمانه دارند، از سختی‌های روزشان می‌گویند، اینکه گاهی تا ۱۰ ساعت در روز هم کار می‌کنند؛ آنقدر می‌شویند، می‌سایند و پاک می‌کنند و از نردبان بالا و پایین می‌روند که حسابشان از دستشان در رفته است.

آنها از قوانین کار اطلاع دقیقی ندارند، فقط می‌دانند بازنشستگی و بیمه‌ای برایشان وجود ندارد. برای همه‌شان یک سؤال اصلی وجود دارد؛ تا کی می‌توانند این‌طور کار کنند؟

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۴۵۴

آسان

۳	۱				۶			
۷		۲				۹		۱
		۹			۸		۲	
	۹				۳	۲		۶
۴		۵	۶		۷	۳		۸
۶		۷	۸				۴	
	۵		۲			۸		
۲		۶				۱		۴
			۷				۹	۲

متوسط

	۹	۵	۱					
۱						۹		۸
		۴		۹		۵		۶
			۶		۵		۳	
		۶				۸		
	۵		۹		۲			
۵		۱		۳		۴		
۹		۷						۳
					۷	۶	۸	

سخت

			۵			۸		۹
			۲	۶	۹	۱		
								۴
		۴				۳		۱
۲				۳				۷
۸		۵				۲		
۴								
		۲	۸	۷	۵			
۵		۹			۶			

خیلی سخت

		۱			۳		۸	۶
۳		۸	۵	۹			۲	
		۲					۹	
		۶	۳		۱	۷		
	۳					۱		
	۸			۷	۹	۲		۴
۴	۷		۲			۵		

حل جدول سودوکو شماره ۴۴۵۴

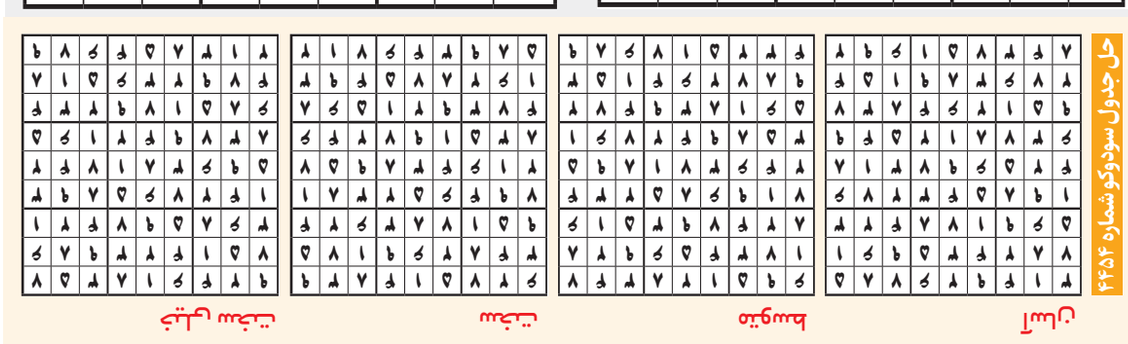

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۴۲۳

جدول عادی

افقی:

۱- روستا - بیوگرافی
۲- مقرپاپ - ضمیر مفعولی - ناموس
۳- خطای فوتبالی - مادر وطن - پشه مالاریا - دختر
۴- غیرمعنوی - ساز آموزش موسیقی - دشنام‌گو
۵- بی‌سواد - جمع لباس - مارکی بر خودرو
۶- گنگ - پرنده زیبا - این کشور در طول جنگ سرد میان شوروی و ایالات متحده از مناطق پرجنجال بود
۷- نهی شده - نام «نکیسا» گلر سابق تیم ملی - واحد تحصیلی
۸- کافی - استعفا - نفس سوزناک
۹- نفوذگر رایانه‌ای - نماهنگ - انتقام گیرنده
۱۰- منگوله - ترن زیرگذر - نوعی چرم
۱۱- شکستنی ورزشی - معالجه - ذات و نفس هر چیز
۱۲- روش و رفتار - بی‌درنگ - آماده
۱۳- رساله دکتری - شهر «دریاچه طشک» در استان فارس - اولین شهر المپیکی - می‌دهند تا رسوا کنند!
۱۴- رعایت نزاکت - بله عرب - براده از فلزات برمی‌دارد
۱۵- عدم تناسب - نوعی انگور که دانه‌های ریز دارد

عمودی:

۱- سرمربی پرسپولیس - یکی از ایستگاه‌های متروی تهران
۲- میوه مغزدار - پول فلزی سکه خورده - پسوند از بین برنده
۳- ضمیر متصل دوم شخص مفرد - بندری در استان بوشهر - سرها - میوه مربا!
۴- کار نسنجیده - مخفف آنکه - طلایی
۵- مقیاس - خانه کوچک - رود «صربستان»
۶- آرزوها - دانشمند - کانال
۷- کدبانوی خانه - بستگی - آهنگ موزون - همسایه «عمان»
۸- قصه‌گو و داستان‌سرا
۹- مخفف دامن - زردک - حمام تکی - خط کش رسم
۱۰- جمعی از مردم - سم‌ها - هوس آبستن
۱۱- پیدا کردن - اشاره به مکان نزدیک - مقابل «پود»
۱۲- تأیید پست اینترنتی - مرد برفی هیمالیا - خاستگاه
۱۳- غذای پشتِ‌پا - پوشش، جامه - نصیب و بخت و سهم - انسان در خود فرو رفته
۱۴- حرفش یکی است! - اصرار - سردسیر
۱۵- نشریه‌ای که به‌طور مرتب هر هفته یک‌بار منتشر می‌شود - تکنولوژی

جدول ویژه

افقی:

۱- زباله - فیلم مسعود اطیابی
۲- یکی از گیاهان دارویی - آفتاب - دفع کننده
۳- بلی در مکالمه - بخشنده - عددی دو رقمی - الهه دروغین
۴- شیون - شهری حومه مشگین‌شهر - مزدور
۵- قاعده و قانون - پی‌جوی - پدر روان شناسی بالینی مدرن
۶- ماری غیرسمی - از درختان بی‌میوه - زاییده شدن
۷- پایدار - وخامت امر - یکی از قدیمی‌ترین شهرهای جهان
۸- بیماری ریه - نخست‌وزیر قبلی «نروژ» - دختر
۹- خارج ورزشی - همسر گزیدن - قطعی برای چاپ کتاب
۱۰- سریال سعید سلطانی - مقصود - شهربازی تهران
۱۱- شهر استان کرمانشاه - آرام و راحت - گاه
۱۲- قله‌ای در «تاجیکستان» - بی‌حاصل - ذخیره
۱۳- خمره بزرگ - مانند هم - بی‌درنگ - برج کج
۱۴- آش برنج - تصمیم قاضی - ضربه‌ای در تکواندو
۱۵- اثر «میشل فوکو» - به آخر رسیده

عمودی:

۱- اختلال تکلم - اثری از «ویسنته الکساندره»
۲- سرخرگ - شهری بندری در استان بوشهر - آفت
۳- سنگ عصاری - ورزشی خشن - نزدیکی جستن - دانه‌ای که در میان گندم روید
۴- قهوه‌ای مایل به سرخ - پشت سر - شهری حومه لاریجان آمل
۵- عنب‌الثعلب - گزارش - مدلی در عکاسی
۶- فرزند عاد - مخلوقات - بافنده
۷- شکم بزرگ - فیلمی از عبدالرضا کاهانی - دیلم - ضمیر اشاره برای نزدیک
۸- اثر «تیلور کالدول»
۹- نوعی آب‌نبات - جزیره کوچک تاسمانی - درجه حرارت - از خواهران برونته
۱۰- گذرنامه - گلی بهاری - ویران
۱۱- یاری‌طلب - مرتعش - پشیمانی
۱۲- گروه ویژه - مانعی در کار - معتبرترین تست ضریب هوشی
۱۳- حرف استثنا - پیراستن عکاسان - اسرار - برهنه
۱۴- خوی خوش - آهنگ یا نَوا - بخشی از چشم
۱۵- اثر «دیوید سالینجر» - دانشمند آلمانی

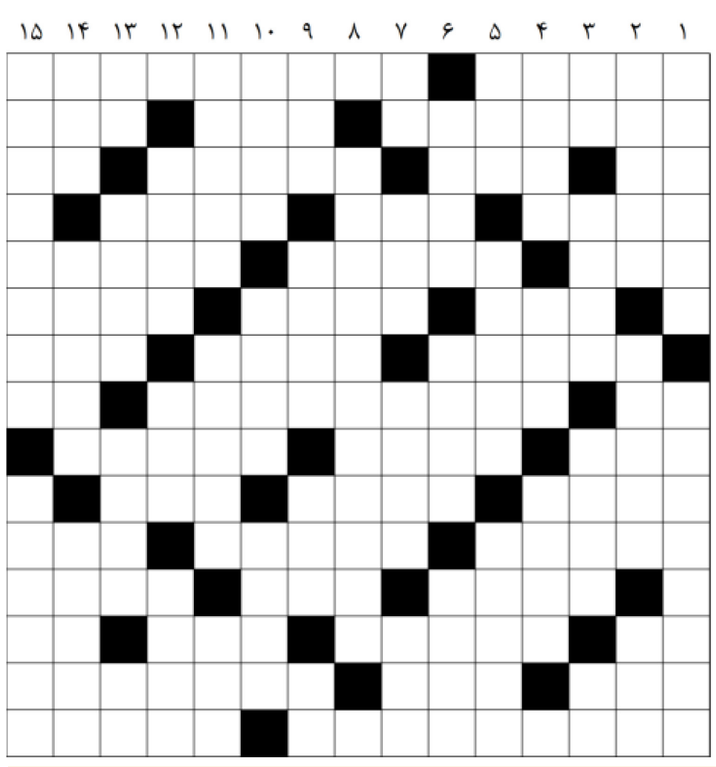

حل جدول عادی شماره ۸۴۲۲

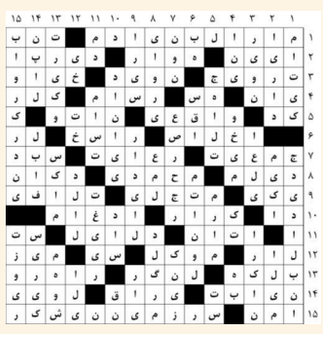
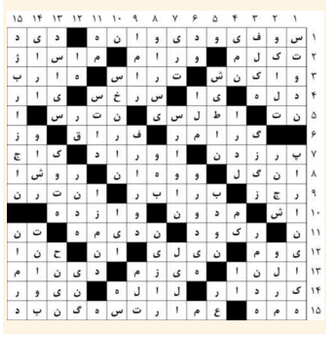
حل جدول ویژه شماره ۸۴۲۲